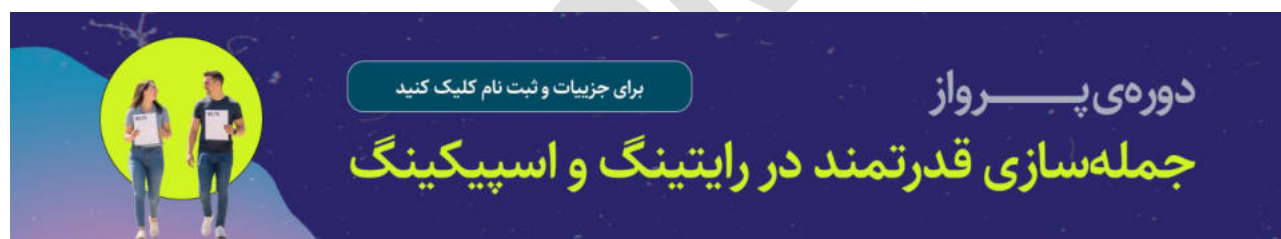


AWL SUBLIST 9

Proficiency & Mastery I



کلیک کنید تا محصولات و خدمات آیلتس لمون را ببینید:



Accommodate

ابعاد معنایی

حج هم نشین ها

Student accommodation

خوابگاه دانشجویی

Accommodate needs

برآورده کردن نیازها

Very accommodating

بسیار همکاری کننده/مهربان

۱. جا دادن / گنجایش داشتن (Space)

The hotel accommodates 500 guests.

۲. راه آمدن / برآورده کردن نیاز (Needs)

We try to accommodate your requests.

کاربرد در موقعیت

هتل ها و خوابگاه ها **accommodation** (محل اقامت) هستند. اگر دوستی شب جایی برای ماندن نداشته باشد، شما او را **accommodate** (جا می دهید). اگر رئیسی با تغییر ساعت کاری شما موافقت کند، او آدم **accommodating** (سازگار/همراهی) است.

چالش ترجمه و تحلیل

This hall can accommodate 1000 people.	۱. این سالن گنجایش ۱۰۰۰ نفر را دارد.
We try to accommodate the needs of the disabled.	۲. ما سعی می کنیم نیازهای معلولین را برآورده کنیم.
Accommodation is expensive.	۳. محل اقامت (مسکن) گران است.
She was very accommodating .	۴. او بسیار مهربان و سازگار بود.
The eye accommodated to the darkness.	۵. چشم با تاریکی سازگار شد (تطبیق یافت).
To find accommodation .	۶. پیدا کردن جای خواب (اسکان).
I can't accommodate all your demands.	۷. من نمی توانم همه خواسته های شما را انجام دهم (راه بیایم).
Accommodate .	۸. (املا) توجه کنید: دو تا C و دو تا M دارد.

Are you accommodating to guests?

مأموریت نهایی
اگر مهمان ناخوانده بیاید، چقدر "Accommodating" (سازگار/مهمان نواز) هستید؟

Analogy

ابعاد معنایی

همنشین‌ها

Draw an analogy

مقایسه کردن (تمثیل آوردن)

By analogy

از طریق قیاس

Analogous to

قابل مقایسه با / شبیه به

تمثیل / قیاس (Comparison)

Explaining the brain using a computer analogy.

کاربرد در موقعیت

معلمان برای توضیح مفاهیم سخت از **analogy** استفاده می‌کنند. مثلاً: "قلب مثل یک تلمبه است". فارست گامپ گفت: "Life is like a box of chocolates" (این یک **analogy** معروف است). اگر دو چیز ساختار مشابهی داشته باشند، **analogous** هستند.

چالش ترجمه و تحلیل

He drew an analogy between the brain and a computer.	۱. او بین مغز و کامپیوتر مقایسه (تمثیل) کرد.
The situation is analogous to 1990.	۲. این وضعیت شبیه (قابل مقایسه با) سال ۱۹۹۰ است.
Using a simple analogy .	۳. استفاده از یک تمثیل ساده.
Argument by analogy .	۴. استدلال از طریق قیاس.
A false analogy .	۵. قیاس مع‌الفارق (مقایسه غلط).
Plane wings are analogous to bird wings.	۶. بال هواپیما شبیه بال پرنده است.
There is no analogy between them.	۷. هیچ شباهتی (قیاسی) بین این دو نیست.
Speaking by way of analogy .	۸. به بیان تمثیلی.

مأموریت نهایی

Life is like a ... because ...

یک "Analogy" (تمثیل) برای توصیف زندگی خود بسازید. (زندگی مثل ... است).

Anticipate

anticipation, anticipated, anticipating

🔗 هم‌نشین‌ها

Eagerly anticipated

بی‌صبرانه منتظرش بودن

Anticipate problems

پیش‌بینی مشکلات

In anticipation of

در انتظار / به پیشواز

📏 ابعاد معنایی

۱. پیش‌بینی کردن (Expect/Predict)

We anticipate huge sales.

۲. پیش‌دستی کردن (Act in advance)

Anticipate the opponent's move.

📌 کاربرد در موقعیت

تفاوت Expect و Anticipate؟ Expect یعنی منتظر وقوع چیزی هستید. Anticipate یعنی منتظرید و برایش آماده می‌شوید. شطرنج‌بازان حرکت حریف را anticipate می‌کنند. فیلم‌های مارول همیشه highly anticipated (بسیار مورد انتظار) هستند.

🔍 چالش ترجمه و تحلیل

We do not anticipate any problems.	۱. ما انتظار (پیش‌بینی) هیچ مشکلی را نداریم.
This is a highly anticipated movie.	۲. این فیلم بسیار مورد انتظار است.
He took an umbrella in anticipation of bad weather.	۳. او با پیش‌بینی (انتظار) هوای بد، چتر برد.
To anticipate the market reaction.	۴. پیش‌بینی واکنش بازار.
He anticipated my next move.	۵. او حرکت بعدی مرا خواند (پیش‌دستی کرد).
Better than anticipated .	۶. فراتر از حد انتظار (پیش‌بینی).
We waited with bated breath / in anticipation .	۷. نفس‌ها در سینه حبس شده بود (از شدت انتظار).
To anticipate changes.	۸. پیش‌بینی تغییرات.

📌 مأموریت نهایی

What event do you eagerly anticipate?

یک رویداد در آینده که "Eagerly Anticipate" (بی‌صبرانه منتظرش) هستید چیست؟